

پاسخنامه تشریحی

۱	گزینه ۲ کلمه «والد» به معنای «پدر»، مترادف کلمه «أب» به معنای «پدر» است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: کلمه «وَقَفَ» به معنای «ایستاد – توقف کرد»، متضاد کلمه «ذَهَبَ» به معنای «رفت» است. گزینه «۳»: کلمه «نَسِيَ» به معنای «فراموش کرد»، متضاد کلمه «ذَكَرَ» به معنای «به خاطر آورد – یاد کرد» است. گزینه «۴»: کلمه «فَرِحَ» به معنای «خوشحال شد»، متضاد کلمه «حَزِنَ» به معنای «ناراحت شد» است.
۲	گزینه ۲ واژه «أَمَّامٌ» به معنی (روبه‌رو) متضاد کلمه «وَرَاءَ» (به معنی (پشت) است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «وَالِدَةٌ»: مادر، مترادف «أُمُّ»: مادر گزینه «۳»: «أَفْضَلُ»: بهتر – خوب، مترادف «خَيْرٌ»: خوب – بهتر گزینه «۴»: «عُدْوَانٌ»: دشمنی، مترادف «عِدَاوَةٌ»: دشمنی
۳	۱) أَكَلْتُ (چون با فعل مفرد مذکر مخاطب سؤال شده باید با متکلم وحده جواب داد). ۲) أَخَذْتُ (چون «أَنْتَ» ضمیر مفرد مذکر مخاطب است، فعل نیز به همین صیغه می‌آید). ۳) ذَكَرْتُ (چون ضمیر «أَنْتَ» مفرد مؤنث مخاطب است، فعل نیز به همین صیغه می‌آید). ۴) رَفَعْتُ (با توجه به ضمیر «أَنْتَ» که مفرد مذکر مخاطب است، فعل نیز به همین صیغه می‌آید). ۵) غَسَلْتُ (با توجه به ضمیر متکلم وحده «أَنَا» فعل نیز باید متکلم وحده باشد).
۴	۱- طُلَّابٌ ۲- أَلْفَانِ ۳- عِبَادَةٌ ۴- رِسَالَةٌ ۵- غَسَلْتُ ۶- رَفَعْتُ ۷- أَكَلْتُ ۸- قَمِيصٌ ۹- نَقَّاحٌ ۱۰- ذَكَرْتُ ۱۱- رَخِيصٌ ۱۲- أَرْضٌ ۱۳- جَدَّةٌ رمز جدول ← طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ
۵	عُدْوَانٌ (دشمنی) ≠ ضِدَاقَةٌ (دوستی) أَرَادَلُ (فرومایگان) ≠ أَفَاخِلُ (شایستگان) بِدَايَةٌ (ابتدا) ≠ نِهَايَةٌ (انتهای) عُدْوَانٌ = عِدَاوَةٌ (دشمنی) جَاهِلٌ (نادان) ≠ عَالِمٌ (دانا) أَفْضَلُ (بهتر) = خَيْرٌ (بهترین) رَخِيصَةٌ (ارزان) ≠ غَالِيَةٌ (گران) خَلَفَ (پشت) = وَرَاءَ (پشت‌سر)
۶	۱- عِلْمٌ (پرچم) سایر کلمات، نام اعضای خانواده‌اند. (خواهر، برادر، مادر) ۲- ماءٌ (آب) سایر کلمات، نام اعضای بدن هستند. (دست، صورت، زبان) ۳- جَوَالٌ (موبایل) سایر کلمات، نام‌های پوشاک هستند. (لباس، پیراهن، شلوار) ۴- قَمِيصٌ (کوتاه) سایر کلمات، مربوط به اجزای ساختمان هستند. (پنجره، در، اتاق) ۵- تَحْتٌ (زیر) سایر کلمات، افعال ماضی هستند. (خارج کرد، داخل کرد، نابود کرد) ۶- ثَمٌّ (پس) سایر کلمات ضمائر منفصل هستند (من، او، او)
۷	۱- دَخَلَ (چون المَعْلَمُ با فعل مفرد مذکر غائب تناسب دارد). ۲- لَعِبَتْ (چون الطِفْلَةُ با فعل مفرد مؤنث غائب تناسب دارد). ۳- حَصَدْتُ (چون ضمیر أَنَا با فعل متکلم وحده متناسب است). ۴- صَعِدْتُ (چون ضمیر أَنْتَ مربوط به صیغه مفرد مذکر مخاطب است). ۵- وَجَدْتُ (چون ضمیر أَنْتَ با فعل مفرد مؤنث مخاطب تناسب دارد).
۸	۱- این را بیهوده نیافریدی فعل ماضی ← مَا خَلَقْتُ ۲- ای دوستم، آیا به خانه‌ات نرفتی؟ فعل ماضی ← مَا ذَهَبْتَ ۳- من چمدان‌های سفر را جمع نکردم. فعل ماضی ← مَا جَمَعْتُ ۴- آیا تو در باغ را باز کردی؟ فعل ماضی ← قَتَحْتُ / فعل ماضی ← قَالَ / ماضی منفی ← مَا حَزَنْتُ
۹	من برنگشتم – تو انجام ندادی – او ننوشت – تو ننشستی – او نپرسید – ما جمع نکردیم
۱۰	۱- در این قرآن برای مردم از هر مثالی زدیم.



۲- آیا تو ای ابراهیم، این را با خدایان ما انجام دادی؟

۳- برایمان مثالی زد و آفرینش را فراموش کرد.

۴- پسر بچه گفت: من ناراحت نشدم.

۵- ما از مرزها عبور نکردیم.

۱۱ الفُستَانُ ← مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ الْعِلْمُ ← كُنْزُ
الدُّنْيَا ← مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ الصَّلَاةُ ← عَمُودُ الدِّينِ
النَّسِيَانُ ← آفَةُ الْعِلْمِ السُّؤَالُ ← مِفْتَاحُ الْعِلْمِ

۱۲ ۱- من کمی غمگین شدم. ۲- تو او را یاری کردی زیرا تو شریف هستی.

۳- او بر روی زمین افتاد. ۴- تو چادری زیبا پوشیدی.

۵- او چیزی را فراموش کرد. ۶- ما احساس سربلندی کردیم.

۷- ما برای گرفتن جایزه‌ها ایستادیم. ۸- ما از کوه عبور کردیم.

۹- ما بسیار خوشحال شدیم. ۱۰- ما چوب را بریدیم.

۱۳



هذه اللاعبة رَفَعَتْ عَلَمَ إيران.
این بازیکن پرچم ایران را بالا برد.



هذا الولد أخذ كتاباً من المكتبة.
این فرزند کتابی از کتابخانه گرفت.

۱۴



نحنُ جَلَسْنَا فِي الْمَكْتَبَةِ.
ما در کتابخانه نشستیم.



نحنُ كَتَبْنَا واجباتنا.
ما تکالیفمان را نوشتیم.

۱۵ گزینه ۴ ترجمه درست عبارت: «هوا کمی سرد است، چرا تو پنجره را باز کردی؟»